

یکشنبه سیزدهم آذر ماه ۱۴۰۱

نشست دهم؛ سال دوم؛ فقه هنر؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا
و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

فقه موسیقی؛ تحقیق و بیان حاصل نصوص باب

ما در هفته گذشته روایات را بررسی کردیم .. امروز می خواهیم انشاءالله بحث موسیقی را تمام کنیم و می
خواهیم وارد بحثهایی مثل رقص و ترقیص و تصفیق شویم

تحقیق در مساله

در اظهار نظر راجع به فقه موسیقی اولاً باید مبانی خود را فراموش نکنیم؛ تصور کنید مبنایی که لهو، لعب
، لغو را حرام میدانند با مبنایی که می گوید لا دلیل علی حرمت مطلق لهو و لغو و لعب

در بحث موسیقی این قضیه را باید یادمان باشد به این دلیل که اگر قائل به حرمت شدیم به محض این
که نواختن موسیقی شد جز لهو، دیگر شکی نیست که گفته می شود این کار لهو است و هر لهوی هم حرام
است پس این کار هم حرام است .

ولی اگر کسی مثل ما نتواند حرمت این ها را قبول کند کار متفاوت می شود و ما خوشبختانه چون مبنای
ما روشن است، نتیجه هم روشن است؛ ما این ها را حرام نمیدانیم.

و در این معنا ما هم تنها نیستیم.....

برخی در غنا حتی اگر مقترن به حرام نباشد، حرف داشتند مثل فیض کاشانی و....

برخی معتقد بودند غناها معطوف به خارج است؛ غناهای بنی امیه و بنی عباس ...

اگر این دیدگاه ها غنا را مشمول زمان بدانند و آن را مقترن به حرام بدانند بعید نشمارید در این جا هم
نسبت به ادله ای که می گوید کوبات و کربات و ... حرام است ، غنا را هم حرام بدانند و لذا می بینید علمای
ما به این نقطه که می رسند دو دسته میشوند؛ دسته ای که نفس این ها را با آن مشکل دارد و دسته ای
که با نفس استعمال این ها مشکل ندارد.

لذا کسی آن مبنا را دارد این جا هم باید همان مبنا را داشته باشد.

یک حرفی هم ما داشتیم که بی تاثیر نبود در اخراج غنا از حرمت و آن تفسیر دو سویه بود

ما می گفتیم عمده روایات حرمت غنا ذیل آیاتی است که تطبیقش بر صرف صوت مشکل است...

بعید نشمارید کسی همان بساطی را که در آن جا پهن می کند و غنای حرام را می برد در یک صوت با محتوای باطل لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا... این جا هم همین معنا را داشته باشد... باید برخی روایات را بومی کرد و به یک نوع انصراف قائل شویم؛ کاری که شیخ انصاری انجام میدهد... به هر حال این زمینه ها هست

برخی وقتها هست که برای اثبات یک مطلب ، باید دنبال دلیل متناسب باشیم نه معتبر...معتبر مناسب

من در بحثی گفتم این جا دلیل معتبر دارد اما دلیل مناسب ندارد؛ مناسب با بیان این مساله نیست؛ تناسب بیان با مبین...

البته آقایان جهت سلی آن را دارند ؛ جهت ایجابی آن را کمتر دارند....

شنیدید گفته اند رادع در قوت باید به قوت مردوع باشد

قوت رادع به تناسب قوت مردوع ...

می گویند اگر چیزی در سیره عقلا رسوخ داشت بعد شارع این را می خواهد ردع کند، یک جا یواشکی پیغمبر سر سفره به خانمش بگوید این که فایده ندارد؛ این که نمی تواند سیره را ردع کند ؛ این جا اگر امام یا پیغمبر می خواهند مقابل یک سیره راسخ موضع گیری کنند باید در منا یا در نماز جمعه چهار پنج نوبت بگویند ؛ قوت رادع به تناسب قوت مردوع باید باشد....

برخی وقتها بحث رادع و مردوع نیست؛ یک مطلب مهمی است که باید بیان شود این بیان باید به تناسب مبین باشد؛ مثلا رسول خدا می خواهند خلیفه بعد خود را مشخص کنند ؛ یک جا بگویند خلیفه بعد من علی بن ابیطالب است ؛ این فایده ندارد ..باید چندین بار در چندین مکان بیان کنند که این کار را کردند.. شارع حکیم است ؛ حکیم نگاه می کند اگر باید مطلبی را یک بار بگوید یک بار می گوید یا مطلبی را اگر باید هشت بار بگوید هشت بار می گوید...در هشت جا یا به هشت نفر بسپارد این کار را می کند ؛ تناسب بیان با مبین

تیترا که بخواهیم بزنیم می گوئیم : دلیل معتبر مناسب...

معتبر یعنی حجت یعنی ثقه عن ثقه عن ثقه ؛ روایت تک است ...

موسیقی همیشه زمان ها مبتلا به بوده است

مثلا در جنگها در مشق نظامی ها در عروسی ها در املاک (زمانی که کسی مالک می شد) در سورها در ولیمه ها ...

با توجه به این نکات من سه مطلب را بیان کنم:

الذی حصل لنا الی الان بعد التتبع و التامل فی التراث ... ان استعمال آلات موسیقی بما هو هو و بهیئته
الخاصة لا دلیل علی حرمته ..

صرف استعمال آلات لا دلیل علی حرمته ...

مثل این که دایره را داخل آن غذا گذاشته شود و بیاورند

شیخ انصاری می گوید: لا دلیل علی حرمة خصوص استعمال الآلة بما هو هو

قهرا اگر مثلا برای عزاداری باشد یا برای مشق نظامی باشد یا برای جنگ باشد...

نکته دوم برای نتیجه گیری است .. قد عرفت التضييق و الشداد علی فكرة حرمة اللهو والعب واللغو ...

پس کسی از این راه وارد نشود و اثبات حرمت کند ...

آن که لا ینکر هست استعمال این ادوات هست اذا كان مناسباً لمجالس الفسق و الفجور ... همان بحثی
که در غنا هست ...

اتفاقاً برخی روایات هم مشیر است ؛ مثلاً روایت تحف العقول دارد: انما حرم الله الصناعة التي هي حرام
كلها التي يجيء منها الفساد محضاً نظير برابط والمزامير

(انواع حصر : حصر حقیقی ، حصر اضافی و تثبیت) (انما یک گزاره اثباتی دارد و یک گزاره سلبی دارد)

انما در روایات فقهی زیاد داریم

این که حصر از آن برداشت شود یک معنا به جمله می دهد و منظور دیگری هم اگر باشد معنای دیگری
به جمله میدهد .

ظرفیت این هست که کسی ذیل یک مقاله کار کند دلالت‌های انما

ذیل آیه انما نطعمکم لوجه الله من این را بحث کرده ام در کتاب سلسبیل ببینید ...

امام می فرماید: انما حرم الله الصناعة التي ... خداوند صناعت‌هایی را حرام دانسته که برای صرف فساد
است چون بسیاری از کارها بدون فساد نیست ... حرامی که برای فساد محض است ...

یا این که فساد محض را این گونه معنا کنیم، یعنی فساد می آید و مصلحتش هم می آید اما فسادش بیشتر
است .. به این شکل می رود در لاین فساد محض

بخاطر فساد بیشتر ، مصلحت محو می شود...

در خصوص صرف استعمال و مواضع منع و جواز ممکن است فقها رویکرد های متفاوتی داشته باشند.

مجموعاً اینکه فقیه ممکن است یک مقدار به حرمت رسیده باشد کما این که آیت الله گلپایگانی رسیده
بود...

از آن طرف هم ممکن است فقیهی باشد که صرف استعمال را حرام نداند....(شیخ انصاری)
این وسط ممکن است مصادیقی پیش آید....

جمهوری اسلامی کجدار و مریز با این جریان برخورد می کند...هم خود مسئولین این مساله هنور برای آن
ها حل نشده است هم این که فضاهای بیرونی شاید همراهی نکند اگر از شبهات حکمیه باشد می شود از
مصادیق شبهات تحریمیه - حکمیه که اصل مشهور بر برائت است ...

اما اگر شبهه ، شبهه مصادیقی باشد...این جا شبهه مصادیقی معنا ندارد....

فرض کنید یک سی دی از صدای آقای شجریان را آوردند ...گفتند این صدا را گوش کن و فقیه هم گوش
کرد و نتوانست بفهمد حلال یا حرام استاین می شود حکمیه .

تفاوت ما با دیگران این است که در این باره ما فحص را لازم میدانیم و آقایان می گویند فحص لازم
نیست..

ما می خواستیم بحث رقص و ترقیص را وارد شویم که نشد.